

## ویژگی‌های مدرسه فقهی و کلامی امام باقر علیه السلام

ناصر رفیعی محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

دوران امامت امام باقر علیه السلام حدود دودهه طول کشید. در این ایام پرتلاطم که جامعه اسلامی با شکوفایی علم و دانش و ظهور فرقه‌های مختلف کلامی و فقهی مواجه بود، امام باقر علیه السلام مدرسه عظیمی بنیان نهاد و شاگردان برجسته‌ای مانند زراره و محمدبن مسلم را تربیت کرد. این مدرسه بزرگ تفاوت‌های اساسی با آموزه‌های سایر مذاهب و مکاتب داشت. مدرسه بزرگ فقهی و کلامی امام باقر علیه السلام ویژگی‌هایی داشت که اگرچه با سایر معصومین مشترک بود، اما باتوجه به دوران خفقان قبل از امام باقر علیه السلام و فراهم نبودن شرایط برای سایر معصومین تا زمان ایشان، می‌توان دوران امامت امام باقر علیه السلام را تجلی‌گاه این ویژگی‌ها دانست. محوریت و حاکمیت قرآن، استناد به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حاکمیت عقل و خرد، نقش عمل‌گرایی، اعتدال و میانه‌روی، باورمندی به باز بودن باب اجتهاد، اهتمام ویژه به علم و دانش، ولایت‌مداری، توصیه به تقیه و حفظ اسرار از مهمترین این شاخصه‌هاست. میزان استناد به این موارد باتوجه به شواهد و اقتضائات زمانی و مکانی متفاوت است. امام باقر علیه السلام در دوران ۲۰ ساله امامت خود با تکیه بر این ویژگی‌ها از حریم تشیع در برابر فرقه‌ها و مکاتب مختلف کلامی و فقهی دفاع کرد.

**واژگان کلیدی:** امام باقر علیه السلام، قرآن محوری، سنت، ولایت‌مداری، عقل‌گرایی، اجتهاد و تقیه.

## ۱. مقدمه

ابوجعفر محمد بن علی الباقر، پنجمین نور هدایت است که بر وفق امامت و ولایت درخشید. درباره تاریخ زادروز آن حضرت گزارش‌های مختلفی وجود دارد، اما سوم صفر سال ۵۷ قمری شهرت بیشتری دارد. (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۶۹/۱؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۵۷/۲؛ طبرسی، ۱۳۹۰؛ اربلی، ۱۳۸۱، ۱۱۷/۲) او نخستین مولود از دو بحر امامت یعنی، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام است: «و هو هاشمی من هاشمیین، و علوی من علویین». مادرش، فاطمه ام عبدالله، دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است. (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۶۹/۱؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۵۸/۲) که در وصف او گفته‌اند: «كَانَتْ صِدِّيقَةً لَمْ تُدْرِكْ فِي آلِ الْأَحْسَنِ إِفْرَاءً مِثْلَهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۶۹/۱) و پدر ایشان، دریای دانش و بندگی، امام سجاد علیه السلام است. القاب مشهور آن حضرت عبارتند از: الباقر، الامین، الشاکر، الهادی، الصابر، الشاهد (قرشی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲۱/۱). دوران امامت آن حضرت حدود ۲۰ سال و بین سال‌های ۹۵ هـ.ق تا ۱۱۴ هـ.ق است. سالروز شهادت آن حضرت نیز محل اختلاف است؛ مشهور آن است که آن حضرت هفتم ذی حجه سال ۱۱۴ در مدینه به دست هشام بن عبدالملک به شهادت رسید (اربلی، ۱۳۸۱، ۱۲۲/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۳۱۰/۴). امام باقر علیه السلام جامع صفات کریمه و فضائل اخلاقی بود که حلم، صبر، سخاوت، عبادت، زهد، شجاعت و... بخشی از این ویژگی‌هاست. امام صادق علیه السلام در توصیف پدر بزرگوارش می‌فرماید: «پدرم کثیرالذکر بود. با او راه می‌رفتم یاد خدا می‌کرد، غذا می‌خوردم یاد خدا می‌کرد. اگر با مردم هم سخن می‌گفت از ذکر خدا غافل نمی‌ماند. ما را جمع می‌کرد و دستور می‌داد تا طلوع آفتاب ذکر داشته باشیم. به هریک از ما که توانایی قرائت قرآن را داشت، دستور می‌داد قرآن بخوانید و هر کسی که توانایی نداشت، فرمان می‌داد ذکر بگوید» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ هـ.ق).

بسیاری از دشمنان، مخالفان و غیرباورمندان به امام باقر علیه السلام زبان به مدح و ستایش ایشان گشوده‌اند. هشام بن عبدالملک می‌گوید: «لا يزال العرب والعجم يسودها قریش مادام فهم مثلک؛ تا تو در میانه قریشی، آنان به عرب و عجم آقایی می‌کنند» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۷۷۴/۳). در میان ابعاد شخصیتی و محورهای فعالیت آن امام بزرگوار، پایه‌گذاری مدرسه علمی و تربیت ده‌ها شاگرد و متخصص در علوم اسلامی بیشتر رخ می‌نماید تا آنجا که آن حضرت را باقرالعلوم یا شکافنده دانش‌ها خوانده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ هـ.ق). شیخ طوسی شاگردان ایشان



را بیش از ۴۶۰ تن ذکر کرده است (طوسی، ۱۳۷۳). سخنان نورانی و بلندی از ایشان در حوزه یادگیری، آموزش و ترویج علم و سرزنش جهل و نادانی به دست رسیده است که عبارتند از:

- «تَدَاكُرُ الْعِلْمِ دِرَاسَةٌ وَ الدِّرَاسَةُ صَلَاةٌ حَسَنَةٌ؛ مذاکره علم درس است و درس، نماز (دعا) نیکوست» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۱/۱) یعنی، ثواب نماز مقبول را دارد؛

- «عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفٍ عَابِدٍ؛ دانشمندی که از دانش او بهره برده شود برتر از ۷۰ هزار عابد است»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳/۱)

- «شَرِيفًا وَ عَزِيزًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَاحِحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ؛ به شرف و غرب بروید، علم صحیح را نمی یابید مگر آنچه از ما اهل بیت علیهم السلام صادر شود»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۹۹/۱)

- «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَ لَا يُنْقَضُ أَوْلَئِكَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئًا؛ هر کسی باب هدایتی را به کسی آموزش دهد پاداش همه کسانی را که بدان عمل می کنند، دارد بدون آنکه چیزی از پاداش آنان کم شود». (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۵/۱)

مدرسه یا معادل فارسی آن آموزشگاه به معنای عام، مکان یادگیری هرگونه علم و دانش است. این واژه امروزه به معنای مراکز درس و تدریس به کار می رود. مراد از مدرسه امام باقر علیه السلام در پژوهش حاضر، محل آموزش و تدریس آن حضرت در مدینه است که با توجه به ازبین رفتن خفقان نسبی زمان امام سجاد علیه السلام زمینه مناسبی بود تا امام باقر علیه السلام به تربیت ده ها شاگرد و کادرسازی بپردازد. در پژوهش حاضر، ویژگی های این آموزشگاه عظیم و سترگ در ۹ مورد بررسی شد. البته این ویژگی ها مختص آن حضرت نیست و سایر معصومین نیز با همین منشور، شاگردان خود را تربیت کرده اند. در نوشتار حاضر با نگاه به زندگی امام باقر علیه السلام این موارد تنظیم شده است.

## ۲. قرآن محوری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ده ها کلام نورانی که اوج آن حدیث ثقلین است قرآن و عترت را در کنار هم قرار داد؛ یعنی ثقل اکبر و ثقل اصغر که هرگز جدایی ندارند. (صفار قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۱۴/۱)

قرآن و اهل بیت علیهم السلام دو نسخه راهبردی برای هدایت بشر در اعصار مختلف است. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي وَ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ





الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، أَلَا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم تا هنگامی که به آن دو تمسک کنید هرگز گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو ارجمندتر از دیگری است؛ قرآن ربسمان کشیده شده از آسمان به زمین و عترت و اهل بیت (علیهم السلام). همانا! این دو یادگار از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض بر من وارد شوند» (خصیبی، ۱۴۱۹ ه.ق). سفارش به قرآن در کلام امام باقر (علیه السلام) ساحت های مختلفی دارد که عبارتند از: احترام به قرآن، توصیه به قرائت و تدبر در قرآن، عمل به قرآن، حاکمیت قرآن و استناد به قرآن. یکی از شاخصه های مهم زندگی امام باقر (علیه السلام) تأکید بر محوریت قرآن است.

## ۲-۱. توصیه بر قرائت

«فَأَمَّا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ فَإِذَا احتاجوا إلى تفسیره فالاهتداء بنا و الینا؛ وظیفه مردم است قرآن را آن گونه که نازل شده است، بخوانند و اگر نیازمند به تفسیر آن شدند، پس هدایت برعهده ماست». (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۷/۲۰۲)

«و رَجَّعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتَكَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يُرَجِّعُ فِيهِ تَرْجِيعًا؛ در قرائت قرآن در صدای خود ترجیع قرار بده؛ زیرا خداوند صدای نیکویی که با ترجیع باشد را دوست دارد». (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۲/۱۱۶)

## ۲-۲. قرآن پشتوانه سخنان اهل بیت (علیهم السلام)

«إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ فِي حَدِيثِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَمَى عَنِ الْقِيلِ وَالْقَالِ وَ فَسَادِ الْمَالِ وَ كَثْرَةِ السُّؤَالِ. فَقَالُوا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ آئِينَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ» الْآيَةِ، وَ قَالَ: «وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» وَ قَالَ: «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ»؛ هرگاه برای شما حدیثی گفتم، درباره پشتوانه آن از کتاب خدا از من بپرسید. سپس در حدیثی فرمود: همانا خداوند از بگوگو کردن، تلف کردن مال و پرسش زیاد نهی کرده است. (حاضران گفتند) ای پسر رسول خدا! پشتوانه قرآنی این سخن چیست؟ امام (علیه السلام) فرمود: «آیه شریفه «در بسیاری از نجوهای آنها خیری نیست» و آیه شریفه «اموال خود را که خداوند آن را وسیله استواری زندگی قرار داده به سفیهان ندهید» و آیه شریفه «از چیزهایی که اگر پاسخ آن بر شما آشکار شود، ناراحت می شوید، نپرسید»». (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۵/۳۰۰) این روایت به روشنی ارتباط

دقیق قرآن و عترت را تبیین می‌کند. امام علیه السلام با قاطعیت می‌فرماید: «هر سخنی را که ما برای شما نقل کردیم این حق شماس است که پیرسید منشاء و خاستگاه قرآنی این سخن چیست» بلافاصله امام علیه السلام به سه شاهد نیز اشاره می‌کند و به حاضران اجازه می‌دهد از پشتوانه قرآنی آن سؤال کنند.

### ۲-۳. بیان مصادیق آیات

بخش عمده‌ای از روایات امام باقر علیه السلام به بیان مصادیق آیات و تطبیق اختصاص دارد. مواردی که امام علیه السلام اشاره کرده یا با ظاهر آیات انطباق دارد یا بر باطن آیات قابل حمل است. امام علیه السلام ذیل آیه «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؛ بگو آیا شما را از زیان‌کارترین مردم از نظر عمل آگاه کنم» (کهف: ۱۰۳) فرمود: «هم النصارى والقسيسون والرهبان و اهل الشبهات والاهواء من اهل القبلة والحرورية و اهل البدع؛ مراد از این آیه، نصاری و دانشمندان آنان و پارسایان آنها و نیز مسلمانان پیرو شبهات و خواسته‌های نفسانی و حروریه و اهل بدعت هستند» (قمی، ۱۳۶۳، ۴۶/۲). سبب نزول آیه، اهل کتاب هستند که بدعت در دین گذاشتند و فکر می‌کردند کار نیک و مثبت انجام می‌دهند. امام علیه السلام با توسعه معنایی، آیه را بر گروهی از مسلمانان نیز تطبیق داده است. همچنین ذیل آیه «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ و اگر آنها بر طریقه حق پایداری می‌کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد» (جن: ۱۶) فرمود: «يَعْنِي لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى وَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ علیه السلام وَقَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَ تَهْنِئِهِمْ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا يَقُولُ لِأَشْرَبْنَا قُلُوبَهُمُ الْإِيمَانَ وَ الطَّرِيقَةَ هِيَ الْإِيمَانُ بِوَايَةِ عَلِيِّ وَ الْأَوْصِيَاءِ». امام علیه السلام در مورد معنای این آیه فرمود: «یعنی اگر مردم بر ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و اوصیا از فرزندان ایشان استوار شوند و اطاعت آنها را در امر و نهی بپذیرند با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم؛ یعنی ایمان را در دلشان جایگزین می‌کنیم. منظور از طریقه همان ایمان به ولایت علی علیه السلام و جانشینان اوست» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۱/۲۲۰). آیه شریفه در مورد استقامت در راه حق است. اگر مردم بر طریقه اسلام استقامت داشته باشند وسعت رزق خواهند داشت. امام علیه السلام با الغای خصوصیت، آیه شریفه را بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام منطبق کرده است.

### ۲-۴. استنباط احکام از آیات قرآن

زاره بن اعین و محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام درباره حکم نماز مسافر پرسید. آنها



به امام گفتند خداوند در قرآن می فرماید: «وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ؛ هنگامی که سفر می روید بر شما گناهی نیست که نماز خود را قصر برگزار کنید». گفتند: «خدا فرموده بر شما گناهی نیست و نفرموده واجب است، پس چگونه از آیه و وجوب فهمیده می شود».

امام علیه السلام فرمود: «آیا نمی دانید خداوند در مورد صفا و مروه هم می فرماید: «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا؛ پس هر کس حج خانه خدا و یا عمره به جای آورد بر او گناهی نیست که سعی بین صفا و مروه را انجام دهد»؛ آیا نمی بینید که آن دو واجب شده است». تقصیر در سفر نیز همین گونه است که پیغمبر صلی الله علیه و آله به آن عمل کرده است (بحرانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲/۱۶۳). امام علیه السلام در مورد مسح قسمتی از سر فرمود: «خداوند در قرآن فرموده: «وَأَمْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ وَنَفْرَمُودَه است: رُؤُوسِكُمْ». این مطلب از حرف باء فهمیده می شود (بحرانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲/۲۵۶).

### ۳. استناد به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله

حجیت و اعتبار سنت نبوی در مرحله علم و عمل برخاسته از نص قرآن کریم است. اعتباری که سنت را در کنار قرآن قرار داده است و آن را واقع نما می کند. آموزه های متعددی از کلام وحی دلالت بر حجیت سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله همگون باقرآن دارد به گونه ای که براساس این نصوص، اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله به مثابه اطاعت از خدا (ر.ک.، نساء: ۸۰) و عدم پیروی، مخالفت با خداست (ر.ک.، حشر: ۷). قرآن کریم به صراحت رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسوه حسنه معرفی کرده است. معنای اسوه بودن، حجیت گفتار، رفتار، اعمال و تقریرات آن حضرت است (ر.ک.، احزاب: ۲۱). قرآن کریم بر وحیانی بودن سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید دارد (ر.ک.، نجم: ۳). مراد از وحیانی بودن، فقط دریافت های وحی نیست، بلکه هر آنچه را رسول خدا صلی الله علیه و آله در قالب آموزه های شریعت بیان کرده است، شامل می شود. ویژگی دوم مدرسه امام باقر علیه السلام تکیه بر سنت نبوی است؛ آن حضرت می فرماید: «لَوْ أَنَا حَدَّثْنَا بِرَأْيِنَا صَلَّلْنَا كَمَا صَلَّلَ مَنْ كَانَ قَبْلَنَا، وَلَكِنَّا حَدَّثْنَا بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبَّنَا بَيِّنَةٍ لِنَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله فَبَيِّنَاتُنَا؛ اگر ما براساس رأی و نظر خود سخن بگوییم، گمراه شده ایم همچون کسانی که پیش از ما بوده اند، ولی ما براساس بیینه و برهان الهی که برای پیامبرش و پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما بیان کرده است، سخن می گوییم» (صفا قمی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱/۲۹۹).

مرحوم کلینی در کافی، بابی بانام باب الاخذ بالسنه و شواهد الكتاب نوشته و دوازده

روایت را در این مورد جمع‌آوری کرده است. امام باقر علیه السلام فرمود: «كُلٌّ مَن تَعَدَى السَّنَةَ رُدًّا إِلَى السَّنَةِ؛ هرکس از سنت تجاوز کند بدان بازگردانده می‌شود» (کلینی، ۱۴۶۷ هـ.ق، ۷۰/۱). شخصی از امام باقر علیه السلام پرسشی کرد و امام علیه السلام پاسخ داد. شخص دیگری که آنجا بود عرض کرد فقها در مدینه در این مسئله نظر دیگری دارند. امام باقر علیه السلام فرمود: «وای بر تو! میدانی فقیه و عالم واقعی کیست؟ زاهد در دنیا و راغب به آخرت و متمسک به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله» (کلینی، ۱۴۶۷ هـ.ق، ۷۰/۱). در همین مورد، کتاب مرحوم علامه امینی بانام *سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته* در پاسخ به سؤالات شخصی در حلب سوریه نوشته شده است.

#### ۴. عقلانیت و محوریت خرد

وجه تمایز انسان از حیوانات و نباتات، نعمت عقل است. عقل بزرگ‌ترین نعمت پروردگار بر بشر و موهبت غیرقابل ارزش‌گذاری است. عقل و خرد، رسول باطنی و هدایتگر به توحید است. رهیابی به اصول دین در پرتو عقل محقق می‌شود و محاسبه افراد به اندازه خرد و عقل آنهاست. (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۱۸۴/۲) اهل جهنم در روز محشر می‌گویند: «اگر سخن حق را شنیده و خردورزی می‌کردیم در میان دوزخیان نبودیم» (ملک: ۱۰). شیخ حرعاملی در باب وجوب طاعه العقل و مخالفه الجهل درباره معانی عقل می‌گوید: «عقل در سخن اندیشمندان و حکیمان معانی بسیار دارد که با جست‌وجو در احادیث سه معنی به دست می‌آید: نیرویی که بدان خوبی‌ها، بدی‌ها، تفاوت‌ها و زمینه‌های آن شناخته می‌شود و این معیار تکلیف شرعی است؛ ملکه‌ای که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها فرامی‌خواند و تعقل و دانستن که در برابر جهل (نادانی) قرار می‌گیرد نه در برابر دیوانگی. بیشترین کاربرد عقل در روایات در معانی دوم و سوم است: «والله اعلم» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰۹/۱۵).

مکتب اهل بیت علیهم السلام مبتنی بر عقلانیت به همه معانی و بیشتر معنای سوم است؛ یعنی آنچه برخاسته از جهل و نادانی است مورد سرزنش قرار گرفته و همگان به خردورزی توصیه شده‌اند. هدف بعثت انبیا کشف گنجینه‌های پنهان عقل است: «وَيُثِيرُوا لَهُم دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ تا گنجینه‌های خرد را در میان مردم برانگیزانند» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰). خرد به منزله شرع درونی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «العقل شرع من داخل و الشرع عقل من خارج؛ خرد شرعی از درون و



شرع عقلی از بیرون است» (طریحی، ۱۳۷۵، ۴۳۶/۵). هرگز بین شرع و محکمت عقلی تعارض نیست. امامان علیهم السلام بر به‌کارگیری عقلانیت در اداره امور زندگی و تعامل با دیگران تأکید داشتند. آنها همواره مردم را از پیروی جهل، خرافات، تقلید کورکورانه، هوس، هوای نفس و هر آنچه مانع عقلانیت است، برحذر می‌داشتند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «خدای متعال چون عقل را آفرید از او بازپرسی کرد و فرمود: پیش‌آی! پیش‌آمد. بازگرد! بازگشت. سپس فرمود: به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی محبوب‌تر از تو نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به صورت کامل دادم. همانا براساس تو امر و نهی می‌کنم و عقاب و پاداش می‌دهم» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۰/۱). از این حدیث نکاتی برداشت می‌شود که عبارتند از: اهمیت و جایگاه عقل در جایگاه اولین آفریده؛ مختار بودن عقل (که مورد تکلیف الهی قرار گرفته است)؛ نشانه کمال بودن عقل (از این رو، به افراد کامل اعطا می‌شود) و ملاک بودن عقل در امر و نهی، و ثواب و عقاب.

امام باقر علیه السلام عقل را عمود خیمه انسانیت می‌داند و می‌فرماید: «دَعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ». (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۵/۱) ایشان عقل را مؤلفه و میزان مسئولیت‌پذیری و ملاک حسابرسی خدا از انسان می‌دانند: «إِنَّمَا يُدَاتُ اللهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدَرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا؛ حسابرسی خداوند در روز قیامت از بندگان به اندازه خردی است که در دنیا به آنها داده است» (جرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴۰/۱). بدیهی است عقل که برترین آفریده الهی و نیروی تشخیص خیر از شر است انسان را باورمند به خدا و تسلیم اراده الهی می‌کند. امام باقر علیه السلام عقل‌گرایی و فرجام‌اندیشی را بن‌مایه محاسبه اعمال می‌داند. ایشان در روایت نورانی از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: «چون در اندیشه انجام دادن کاری برایی در پایان آن تدبیر کن. اگر نیک است و مایه رشد، انجام بده و اگر مایه گمراهی است فروگذار» (برقی، ۱۳۷۱، ۱۶/۱). عقلانیت چونان چتری بر زندگی و عملکرد امام باقر علیه السلام سایه افکنده و آن حضرت همواره با ملاک عقل، امور را توصیه و تحلیل می‌کرد.

## ۵. اهتمام به عمل و تلاش

ویژگی دیگر مدرسه باقرالعلوم علیه السلام اهمیت به عمل و تلاش است. عمل‌گرایی و پرهیز از اباحی‌گری روح حاکم بر زندگی امام باقر علیه السلام است. این اصل بر گرفته از ده‌ها آیه قرآن کریم



است: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ بگو من تنها انسانی مثل شما هستم که به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یکتاست، پس هرکس به لقای پروردگارش امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدایش احدی را با او شریک نگرداند» (کهف: ۱۱۰). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ، ثُمَّ التَّهَيُّةُ التَّهَيُّةُ وَالِاسْتِقَامَةُ الْاسْتِقَامَةُ، ثُمَّ الصَّبْرُ الصَّبْرُ وَالْوَرَعُ الْوَرَعُ، إِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً فَانْتَهَوْا إِلَىٰ نَهَايَتِكُمْ؛ تلاش تلاش، فرجام فرجام، پایداری پایداری، بردباری بردباری، خویشتنداری خویشتنداری، همانا شما را پایانی است، پس خود را به آن برسانید» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶). امام باقر علیه السلام کلمات فراوانی در این زمینه دارد. امام علیه السلام فرمود: «يَا جَابِرُ أَيْكُتَفِي مَنِ انْتَحَلَ التَّشْيِيعَ. أَنْ يَقُولَ مُحِبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَوَ اللَّهِ مَا شَيْعُنَا إِلَّا مَنِ اتَّقَى اللَّهَ وَاطَاعَهُ وَ مَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالِاتِّوَاضِعِ وَ التَّخَشُّعِ وَ الْأَمَانَةِ وَ كَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ الصُّومِ وَ الصَّلَاةِ وَ الْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ وَ التَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ وَ الْعَارِمِينَ وَ الْأَيْتَامِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ كَفِّ الْأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ إِلَّا مِنَ خَيْرٍ وَ كَانُوا أَمَنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا نَعْرِفُ الْيَوْمَ أَحَدًا يَهْدِيهِ الصِّفَةَ فَقَالَ يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ حَسْبُ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ أَحِبُّ عَلِيًّا وَ أَتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونَ مَعَ ذَلِكَ فَعَالًا فَلَوْ قَالَ إِنِّي أَحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ - فَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرٌ مِنْ عَلِيٍّ ﷺ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ وَ لَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ مَا نَفَعَهُ حُبُّهُ إِيَّاهُ شَيْئًا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْمَلُوا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ. أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَكْرَمُهُمْ عَلَيْهِ أَثْقَاهُمْ وَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِهِ يَا جَابِرُ وَ اللَّهُ مَا يُتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَ مَا مَعَنَا بَرَاءَةٌ مِنْ؛ ای جابر! آیا همین که کسی ادعا کند شیعه است و ما، اهل بیت علیهم السلام را دوست دارد، کافی است. به خدا قسم! شیعه ما نیست مگر کسی که از مخالفت با خدا بپرهیزد و او را اطاعت کند. ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی‌شوند مگر با تواضع، خشوع، امانت‌داری، یاد خدا، روزه، نماز، نیکی به والدین، رسیدگی به همسایگان تهی‌دست و ایتام، راست‌گویی، تلاوت قرآن، کنترل زبان مگر از خیر و امانت‌داری بین عشیره و بستگان. هنگامی که جابر وجود چنین افرادی را بعید شمرد و گفت با این اوصاف، شیعه‌ای نمی‌شناسم. امام علیه السلام فرمود: ... تقوای الهی داشته باشید و به آنچه خدا امر کرده، گردن نهید. میان خداوند و هیچ فردی خویشاوندی نیست. محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند و گرامی‌ترین آنها باتقواترین و باعمل‌ترین در مسیر اطاعت الهی است» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳/۱۹۰).

در این روایت، امام علیه السلام به صراحت بر حاکمیت عمل تأکید دارد و اندیشه اباحی‌گری



و ثواب بدون تلاش را تخطئه می‌کند. یکی از فرقه‌هایی که در زمان امام باقر علیه السلام به ترویج اباحه‌گری و نفی عمل‌گرایی اقدام می‌کرد، فرقه مرجئه بود. این گروه که در پایان نیمه اول قرن هجری شکل گرفت بر این باور بود که ایمان و عمل از هم جداست و انجام گناهان کبیره بر ایمان و فرجام افراد تأثیری ندارد. برخی بر این باورند که مذهب مرجئه واکنشی بود در مقابل افراط و تندی خوارج. (زرین کوب، ۱۳۶۳) امام باقر علیه السلام در مورد آنها فرمود: «اللهم العن المرجئه فانهم اعدائنا في الدنيا والاخره» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۷۶/۸). عمل بدون آگاهی و معرفت نیز فاقد ارزش است. ایشان می‌فرماید: «لَا يُقْبَلُ عَمَلٌ إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ، وَلَا مَعْرِفَةٌ إِلَّا بِعَمَلٍ وَمَنْ عَرَفَ دَلَّتْهُ مَعْرِفَتُهُ عَلَى الْعَمَلِ، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ فَلَا عَمَلَ لَهُ؛ هیچ عملی جز با شناخت، هیچ شناختی جز با عمل پذیرفته نشود. هرکس شناخت پیدا کند شناخت، او را به عمل رهنمون می‌کند و هرکس معرفت و شناخت نداشته باشد او را عملی نباشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق). امام همواره با عافیت‌طلبی و روحیه توجیه‌گرایانه مخالفت کرده و سکوت در برابر ستم و منکر را جرم می‌دانست. ایشان با تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر، همگان را به موضع‌گیری عملی در برابر این مهم دعوت می‌کرد و می‌فرمود: «با امر به معروف و نهی از منکر راه‌ها امن می‌شود، حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد و زمین آباد می‌گردد» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵۶/۵). برخورد با منکر و ترویج معروف، نخست با عمل و تلاش آمر و ناهی عملیاتی می‌شود.

## ۶. اعتدال و میانه‌روی

یکی دیگر از ویژگی‌های مدرسه امام باقر علیه السلام حاکمیت اعتدال، میانه‌روی و پرهیز از غلو، افراط و تفریط است. در زمان آن حضرت افکار افراطی در مورد اهل بیت علیهم السلام افزایش یافت. افرادی از روی جهل و یا محبت افراطی نسبت‌های ناروا به ائمه می‌دادند که موجب رنجش و انزجار آنها می‌شد. اعتدال، اختصاص به امور اعتقادی ندارد، بلکه چونان چتری بر همه بخش‌های زندگی از اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و... حاکم است. روح حاکم بر زندگی اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه امام باقر علیه السلام روح اعتدال و میانه‌روی است. واژه اعتدال در قرآن نیامده است، اما واژگان قوام (ر.ک.، فرقان: ۶۷)، وسط (ر.ک.، بقره: ۱۴۳)، قسط (ر.ک.، لقمان: ۱۹)، حنیف (ر.ک.، آل عمران: ۶۷) و... بر آن دلالت دارد. ذیل آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ و ما همچنان شما (مسلمانان) را امتی میانه و معتدل قرار دادیم

تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد» (بقره: ۱۴۳). ابابصیر از امام یازدهم علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «نَحْنُ نَمْنُطُ الْحِجَازَ قَوْلُكَ. وَ مَا نَمْنُطُ الْحِجَازَ قَالَ: أَوْسَطُ الْأَمْطِاطِ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّا يَرْجِعُ الْعَالِي وَ بِنَا يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ؛ ما نمط حجازیم (گروه اهل حجاز). گفتیم یعنی چه؟ فرمود: یعنی میانه‌روترین گروه که خدا در این آیه می‌فرماید کندرو باید به سوی ما برگردد و عقب‌مانده‌ها و مقصرین به ما برسند» (عباشی، ۱۳۸۰، ۶۳/۱).

ایشان در سخن دیگری به فرزندش امام صادق علیه السلام فرمود: «يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِالْحَسَنَةِ بَيْنَ السَّيِّئَتَيْنِ تَمَحُّوهُمَا قَالَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا أَبَتِ قَالَ مِثْلُ قَوْلِ اللَّهِ: وَ لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تَخَافُ بِهَا لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ سَيِّئَةٌ وَ لَا تَخَافُ بِهَا سَيِّئَةٌ وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا حَسَنَةً وَ مِثْلُ قَوْلِهِ: وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَعْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ وَ مِثْلُ قَوْلِهِ: وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا فَاسْتَرَفُوا سَيِّئَةٌ وَ أَقْتَرُوا سَيِّئَةٌ وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا حَسَنَةً فَعَلَيْكَ بِالْحَسَنَةِ بَيْنَ السَّيِّئَتَيْنِ؛ پسر! بر تو باد به انجام کار خیری که وسط دو کار بد قرار گرفته و آن‌دو را از بین می‌برد. امام صادق علیه السلام پرسید: پدر جان! چگونه چنین می‌شود؟ امام علیه السلام فرمود: همان‌طور که قرآن می‌فرماید: نماز خود را با صدای بلند و نیز با صدای آهسته مخوان و بین این دو راهی میانه بجوی. صدای بلند و آهسته، گناه و میانه‌روی حسنه است... و سخن خدا که می‌فرماید: مؤمنین کسانی هستند که وقتی اتفاق می‌کند زیاده‌روی و سخت‌گیری نمی‌کنند. سخت‌گیری و اسراف هر دو گناه است و میانه‌روی حسنه است، پس بر تو باد به حسنه بین دو گناه». امام باقر علیه السلام در حدیث فوق با استناد به دو آیه قرآن به مصداق اعتدال می‌پردازد؛ اعتدال در عبادت و اعتدال در انفاق. امام در راستای برخورد با غالیان و فرقه‌های تندرو گاهی به نام، آنها را طرد می‌کرد مانند «لَعَنَ اللَّهُ بُنَانَ التَّبَّانِ وَ إِنَّ بُنَانًا لَعَنَهُ اللَّهُ كَانَ يَكْذِبُ عَلَى أَبِي عَلِيٍّ علیه السلام أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي عَلِيًّا بِنَ الْحُسَيْنِ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۱۷/۲۵). «لَعَنَ اللَّهُ الْمُغْيِرَةَ بِنَ سَعِيدٍ كَانَ يَكْذِبُ عَلَيْنَا؛ لعنت خدا بر بنان تبان باد! او بر پدرم دروغ می‌بست. گواهی می‌دهم پدرم علی بن الحسین علیه السلام بنده صالح خدا بود. خدا لعنت کند مغیره بن سعید را که بر ما اهل بیت علیه السلام دروغ می‌بست» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۱۷/۲۵). ایشان در سخن دیگری شیعیان را به اعتدال در توصیف امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش کرده است و می‌فرماید: «لَا تَضَعُوا عَلَيَّا دُونَ مَا وَضَعَهُ اللَّهُ وَ لَا تَرْفَعُوا عَلَيَّا فَوْقَ مَا رَفَعَهُ؛ و امام علی علیه السلام را از جایگاهی که خدا برایش قرار داده پایین نیاورید و از جایی که خدا بالا برده، بالاتر نبرید» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۲۸۳/۲۵).



## ۷. باورمندی به باز بودن باب اجتهاد

شاخصه دیگر مکتب و مدرسه امام باقر علیه السلام گشودن راه اجتهاد و استدلال برای اصحاب بود. سیره امامان علیهم السلام بر میدان دادن به اصحاب برای استنباط احکام بود چنانچه فرمود: «عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَعَلَيْكُمْ أَنْ تُفَرِّعُوا؛ ما اصول را به شما القا می‌کنیم و بر شماست فروع و استخراج» (حرعاملی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۵۵۴/۱). امام باقر علیه السلام شیوه‌های صحیح استنباط احکام شرعی و منابع را برای پیروان خود تبیین می‌کرد. شهید سید حسن صدر می‌نویسد: «به واقع اولین کسی که دروازه علم اصول و اجتهاد در احکام را گشود و به تبیین و توضیح قواعد آن پرداخت امام ابو جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام و پس از او فرزند برومندش ابو عبدالله الصادق علیه السلام است. این دو بزرگوار با جمع‌آوری و نگاشتن مسائل و قواعد، گام بزرگی در فقه و اصول شیعه برداشتند» (صدر، ۱۳۳۱). علامه سید محسن امین می‌نویسد: «بدون تردید بیشترین قواعد اصولی که از امامان علیهم السلام روایت شده از امام باقر علیه السلام تا امام عسکری علیه السلام است». سیوطی در کتاب *اوائل* برای این باور است که نخستین کسی که علم اصول را تصنیف کرد امام شافعی بوده است. در پاسخ باید گفت: «نخستین کسی که پیش از شافعی علم اصول را گشود و مسائل آن را بیان کرد امام محمد بن علی الباقر علیه السلام و فرزند بزرگوارش جعفر الصادق علیه السلام است» (امینی، بی‌تا، ۱۳۸/۱).

امام باقر علیه السلام برای تحکیم بنیادهای اجتهاد به شاگردان برجسته خود مانند ابان بن تغلب فرمان می‌داد به مردم فتوا بدهند تا بستر مناسبی برای مرجعیت آنها در بین مردم پیدا شود. همه مردم امکان دسترسی به امام را نداشتند. از این رو، امام علیه السلام این زمینه را برای شاگردان فراهم کرد و به ابان فرمود: «أَفْتِ النَّاسَ؛ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ يُرَى فِي شِيعَتِي مِثْلَكَ؛ برای مردم فتوا بده. همانا! دوست دارم در بین شیعیانم مانند تو باشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۹۴/۳۰). همچنین امام علیه السلام با شیوه‌های نادرست اجتهاد و استنباط احکام مانند قیاس و استحسان برخورد کرد و پیروان خود را از افتادن در دام این شیوه‌ها برحذر می‌داشت آن‌گونه که به زراره فرمود: «يَا زُرَّارَةُ إِنِّيَاكَ وَأَصْحَابِ الْقِيَّاسِ فِي الدِّينِ فَإِنَّهُمْ تَرَكُوا عِلْمَ مَا وَكَلُوا بِهِ وَتَكَلَّفُوا مَا قَدْ كَفُّوا؛ بر تو باد! از کسانی که در دین قیاس می‌کنند، دوری‌گزینی؛ زیرا آنان از قلمرو تکلیف خود پا فراتر نهاده و آنچه را باید می‌آموختند، وانهادند و به آنچه از آنان خواسته نشده، روی آوردند و خود را به سختی انداخته‌اند» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۳۹/۱۸).

## ۸. اهتمام به علم و دانش

از ویژگی های مهم مکتب امام باقر علیه السلام اهتمام به فهم و دانش و شناخت است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «أَعُدُّ عَالِمًا خَيْرًا وَتَعَلَّمَ خَيْرًا؛ دانشمند نیک باش و به فراگیری نیکی بپرداز» (برقی، ۱۳۷۱/۳۵۵). ایشان در سخن دیگری می فرماید: «سَلِّ وَلا تَسْتَكْفِرْ وَلا تَسْتَحِيْ؛ فَإِنَّ هَذَا الْعِلْمَ لَا يَتَعَلَّمُهُ مُسْتَكْبِرٌ وَلا مُسْتَحِيٌّ؛ بپرس و خودداری مکن و شرم مدار که این دانش را متکبر و کم رو فرامی گیرد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ه.ق.). دوران زعامت این امام از ادوار تاریخی مهم شیعیان است که امام آنها را به گفتمان علم و معرفت فراخواند و همواره در برابر اندیشه های برخاسته از جهل و نادانی ایستادگی می کرد. اصل علم آموزی در جوهره دین وجود دارد. آیات و روایات در زمینه کسب دانش بی شمار است. در آموزه های دینی، جهل و نادانی ریشه همه گرفتاری هاست و همگان به فهم و درایت توصیه شده اند. اهمیت فهم و درک مباحث دینی به حدی است که امام باقر علیه السلام می فرماید: «لَوْ أُتِيَتْ بِشَابٍ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ لَأَدَّبْتُهُ؛ اگر جوان شیعه ای را نزد من بیاورند که در فهم دین تلاش نمی کند او را تأدیب می کنم» (برقی، ۱۳۷۱/۳۵۷). امام باقر علیه السلام نه تنها به ترویج و فراگیری دانش توصیه می کرد، بلکه به توسعه و گسترش آن فراتر از مرزهای مذهبی توجه داشت و می فرمود: «خُذُوا الْعِلْمَ مِمَّنْ عِنْدَهُ وَلا تَنْظُرُوا إِلَى عَمَلِهِ؛ دانش را بگیری از هر کسی که دارا می باشد و به عمل او نگاه نکنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۲/۹۷). در منظومه فکری امام باقر علیه السلام دانش، حکمت گمشده هر فردی است که باید هر کجا و در هر زمان و در نزد هر کسی آن را یافت از آن بهره برد. (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۸/۴۱۸). امام باقر علیه السلام در دوران امامت خود گفتمان گرایی به علم و دانش را بنیان نهاد و به ترویج شاخه های علمی در تمدن اسلامی پرداخت. اصل علم آموزی ریشه در جوهر دین اسلام دارد. فهم قرآن و سنت بدون حاکمیت علم و دانش ممکن نیست. بر همین اساس، امام علیه السلام نهضت علمی به راه انداخت و دانشمندان را محور و بالاترین افراد امت معرفی کرد. تلاش علمی آن حضرت بدون تردید در رونق و شکوفایی تمدن اسلامی بسیار تأثیرگذار بود. امام علیه السلام با تأسیس کرسی های تدریس و تعلیم، گفتمان علم گرایی را بنیان نهاد؛ شجره ای که بیشتر در زمان فرزندش امام صادق علیه السلام به بار نشست و ثمر داد. موج علم خواهی و ترویج دانش منطبق بر اصول و باورهای شیعی سدی در برابر مخالفان و منحرفان شد. امام باقر علیه السلام به



علم معنا داد و به حق شکافنده دانش‌ها بود. ایشان در شرایطی وارد این عرصه شد که انحرافات فکری و فرهنگی توسط امویان هسته اصلی دین را هدف قرار داده بود؛ شرایطی که جامعه به ابتذال کشیده شده و به جای قرآن، سنت و ارزش‌های دینی موسیقی، غنا و ابتذال جامعه را فراگرفته بود. تدابیر مهم امام باقر (علیه السلام) در تربیت شاگردان و نخبگان و برگزاری کرسی‌های آزاد نظریه‌پردازی بهترین راه مقابله با این انحرافات بود.

## ۹. باور به ولایت و امامت

مدرسه و مکتب امام باقر (علیه السلام) علاوه بر آنچه ذکر شد مبتنی بر باور به امامت و ولایت امام معصوم و حجیت سخن و فعل و تقریر امام است. در این مدرسه، عدم معرفت امام (علیه السلام) مرگ جاهلی محسوب می‌شود؛ یعنی بازگشت به جاهلیت قبل از اسلام و ضد ارزش‌های آن زمان از جمله شرک. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا يَعْدُرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ؛ کسی که بمیرد و برای او پیشوا نباشد با مرگ جاهلیت مرده است و مردم معذور نیستند مگر اینکه امام خود را بشناسند» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ۴۱۲/۲). اصل صدور روایات مرگ جاهلیت بدون امام مورد تردید نیست (امینی، ۱۴۳۶ هـ.ق، ۱۰/۳۶۰). معنای این روایات آن است که پشتوانه تمسک به اسلام راستین، باور به امامت پیشوای معصوم است. این روایات ناظر به پیشوایی حاکمان ستمگری نیست که مرتکب صدها جنایت و ظلم شده‌اند و روی زمام‌داران کافر را سفید کرده‌اند. در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به‌ویژه امام باقر (علیه السلام) تلاش دینی بدون باور به امامت فاقد ارزش است. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَهُ غَيْرَ مُقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَّخِيَرٌ وَ اللَّهُ سَائِقٌ لِأَعْمَالِهِ؛ هر کسی که با عبادتی طاقت فرسا خداوند را بندگی کند، اما امامی که از جانب خدا آمده، نداشته باشد، عبادتش پذیرفته نیست و گمراه و سرگردان است و خدا اعمالش را دشمن می‌دارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۰/۱۴۰ هـ.ق/۱۸۳). امام باقر (علیه السلام) در حدیث دیگری فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِبَشِيٍّ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ؛ اسلام بر پنج پایه استوار شد؛ نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و آن‌گونه که به ولایت ندادا داده شد به هیچ چیز ندادا نشده، اما مردم چهار رکن را اخذ کردند و ولایت را رها کردند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۸/۲). علامه مجلسی سند برخی روایات بنی‌الاسلام را صحیح دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷/۱۰۰).

## ۱۰. توصیه به تقیه و حفظ اسرار

نهمین ویژگی مدرسه امام باقر علیه السلام توصیه به تقیه برای حفظ دین است. تقیه نوعی پنهان کاری معقول برای حفظ نیروهای مؤمن، هدر نرفتن توان عناصر، سرمایه‌ها، حفظ اسرار و برنامه‌ها و پرهیز از تنش است. برداشت نادرست از تقیه آن را دوچهرگی، مسئولیت‌گریزی و ترس معرفی می‌کند. در صورتی که تقیه، سپری در میدان حرکت و مبارزه است که مانع زوال سرمایه‌ها و موجب حفظ دین است. تقیه هرگز زمینه چشم‌پوشی و کوتاه آمدن در برابر حق نیست، بلکه برعکس وسیله بالندگی و پاسداری از حق است. بخشی از سخنان امام باقر علیه السلام در زمینه تقیه عبارتند از: «التَّقِيَّةُ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛ تقیه جزو دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه ندارد، ایمان ندارد»؛ «التَّقِيَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلِّ شَيْءٍ أُضْطَرَّ إِلَيْهِ ابْنُ آدَمَ فَقَدْ أَحَلَّهُ اللَّهُ لَهُ؛ تقیه در هر چیزی است و موردی که انسان مضطر شود خداوند آن را برایش حلال ساخته است»؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَقْرَ لِعَيْنِ أَبِيكَ مِنَ التَّقِيَّةِ إِنَّ التَّقِيَّةَ حُبَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ؛ پدرم می‌گفت هیچ چیز به اندازه تقیه چشم مرا روشن نمی‌کند؛ زیرا تقیه سپر مؤمن است».

## ۱۱. نتیجه‌گیری

امام باقر علیه السلام در شرایط سخت بین سال‌های ۹۵ تا ۱۱۴ کرسی امامت را عهده‌دار شد. دوران زندگی نورانی آن حضرت که از حضور در کربلا و حادثه سخت شهادت جد بزرگوارش حضرت اباعبدالله علیه السلام آغاز می‌شود با ۱۰ تن از حاکمان اموی مصادف بود. دوران امامت ایشان معاصر با ۴ فرزند عبدالملک (ولید، سلیمان، یزید، هشام) و دوران کوتاه حاکمیت عمر بن عبدالعزیز است. همه امامان شیعه عهده‌دار ارشاد و رهبری جامعه اسلامی و پاسدار و نگهبان آیین اسلام و مبانی تشیع بودند و هر کدام متناسب با شرایط زمان راهی را برگزیدند. در دوران امام باقر علیه السلام بعد از خفقان ۳۴ ساله زمان پدرش، زمینه‌ای برای نشر حدیث و گسترش علوم پیدا شد. امام باقر علیه السلام مدرسه بزرگ فقهی و کلامی را بنیان نهاد که تفاوت اساسی و ریشه‌ای با سایر مذاهب و مکاتب معاصر ایشان داشت. مهمترین ویژگی‌های این مدرسه که در نوشتار حاضر بررسی شد قرآن‌محوری، استناد به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم،



حاکمیت عقل و خرد، عمل‌گرایی، اعتدال، باورمندی به فتح باب اجتهاد، اهتمام به علم و دانش، ولایت‌مداری و توصیه به تقیه است. هریک از این محورهای می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود محورهای نه‌گانه به صورت مستقل موضوع مقالات و رساله‌های ارشد و دکتری قرار گیرد.

## فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ ه.ق). *معانی الاخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ه.ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*. قم: انتشارات علامه.
۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ ه.ق). *عده الداعی و نجاح الساعی*. قم: دارالکتب الاسلامی.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*. تبریز: بنی هاشمی.
۶. امین، سید محسن (بی تا). *اعیان الشیعه*. بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
۷. امینی، عبدالحسین (۱۴۳۶). *الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب*. قم: مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ ه.ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثه.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البتت.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ ه.ق). *الفصول المهمه فی الاصول الائمه*. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا.
۱۲. خصیبی، حسن بن حمدان (۱۴۱۹ ه.ق). *الهدایه الکبری*. بیروت: البلاغ.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۳). *تاریخ ایران بعد از اسلام*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۴. صدر، سید حسن (۱۳۳۱). *الشیعه و فنون الاسلام*. تهران: مطبقة الفرقان.
۱۵. صفارقمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*. قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی النجفی.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). *اعلام الوری باعلام الهدی*. تهران: اسلامیه.
۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳). *رجال الطوسی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین.
۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*. طهران: المطبعه العلمیه.
۲۰. فیض کاشانی، محمد بن محسن (۱۴۰۶ ه.ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. قم: دارالکتب.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶ ه.ق). *ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخیار*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی النجفی.
۲۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: مؤسسه آل‌البتت.
۲۶. منذر، حکیم (۱۴۱۲ ه.ق). *اعلام الهدایه الامام محمد بن علی الباقر*. قم: المجمع العالمی اهل‌البتت.